



یادداشت

شادباش به نرگس محمدی و همه ی زنان چون او

صادق کار



کمیته نوبل نروژ ۱۱ صبح روز جمعه ۱۴ مهر در بیانیه‌ای که توسط سخنگو و رئیس کمیته نوبل در تلویزیون دولتی نروژ قرائت کرد، خانم نرگس محمدی مبارز برجسته و پیگیر حقوق بشر و یکی از مبارزان جنبش زنان و جنبش انقلابی زن، زندگی آزادی را بعنوان برنده جایزه نوبل ۲۰۲۳ اعلام کرد. خانم نرگس محمدی از میان صدها نفری که برای دریافت صلح نوبل نامزد کرده بودند توانست جایزه صلح را به دست آورد و بعد از خانم شیرین عبادی دومین زن ایرانی است که جایزه صلح نوبل به او تعلق گرفته است.

برنده شدن نرگس محمدی در روزی که همه ی زنان و مردان آزاده در نگرانی و بی خبری از سلامت آرمیتا نو گل دیگری از معترضان به حجاب اجباری که در اثر حمله یکی از پاسداران حجاب اجباری در بیمارستان به کما رفته است بسر می بردند، خبر امید بخشی بود که توانست اندکی از بار اندوه سنگین ناشی از بستری شدن آرمیتا در میان انبوه کسانی که نگران سلامت او هستند بکاهد. نرگس محمدی نیز بی تردید یکی از انهایی است که در این نگرانی سهیم می باشد.

اعطای جایزه صلح نوبل به زن شجاع و مبارزی که سالهای متمادی از عمر و زندگی خود را صرف مبارزه علیه استبداد، سرکوب و بی عدالتی و مبارزه با تبعیض در زندان گذرانیده و همواره به رغم تهدیدات مختلف و فشار دستگاه سرکوب قرار داشته جایزه‌ای است که او و زنانی چون او مستحق آن هستند. هم از این رو ست که اعطای جایزه به خانم محمدی با حمایت بسیار گسترده‌ای در میان آزادیخواهان ایران و سایر کشورهای روبرو و با هراس، خشم و نگرانی مقامات رژیم روبرو شده است.

خبر اعطای این جایزه نام خانم محمدی، زندانیان سیاسی و جنبش زن زندگی آزادی و وقایع و پیامد های مربوط به آنها را با گزارشاتی که توسط خبرنگاران حاضر در مراسم برای رسانه های جهان فرستاده شد برای ساعاتی بار دیگر در صدر خبرهای جهان قرار داد.



تلویزیون دولتی نروژ نیز بعد از خوانده شدن بیانیه کمیته توسط سخنگو و رئیس کمیته که با تکرار شعار معروف زن، زندگی، آزادی به زبان فارسی شروع شد، فیلم هایی از اعتراضات مربوط به تظاهرات زن، زندگی، آزادی به همراه شرحی از زندگی نرگس محمدی و مطالبات جنبش انقلابی را پخش و با تعدادی از کارشناسان این امور و برادر نرگس محمدی که در نروژ بسر می برد نیز گفتگو کرد.

اختصاص جایزه نوبل به زنی که سالهاست بخاطر مبارزات خود پشت میله های زندان به سر برده در واقع تجلیل از مبارزات همه ی زنان آزاده ای است که ده ها سال است علیه تبعیض جنسیتی و جنسی، استبداد، بی عدالتی و نابرابری چون کوهی استوار و سربلند، مبارزه کرده و تجلیل از زنان و مردانی است که بواسطه شرکت در جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی، جان باخته، نابینا شده و زندانی و شکنجه شده اند.

اعطای جایزه صلح نوبل به به نرگس محمدی می تواند روی مبارزات مردم با رژیم علیه استبداد و بی عدالتی و تبعیض و تقویت روحیه مبارزاتی آنها اثر مثبت بگذارد و موجب تقویت این مبارزات گشته و در به ثمر نشستن آن موثر واقع شود.

بدیهی است که رژیم برای خنثی کردن اثرات داخلی و جهانی جایزه نوبل به نرگس دست به تلاشهای مختلفی بزند، اما با توجه به وضعیت بحرانی کنونی رژیم و ناتوانی آن در برخورد با جنبش انقلابی، قادر نخواهد شد اثرات آنرا در داخل و خارج بکلی از بین ببرد. تبریک به خانم محمدی برنده شایسته جایزه صلح نوبل، به همه ی زنان و مردان زندانی و همبند او، به خانواده جانباختگان راه آزادی، به مبارزان و ادامه دهندگان جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی و آرزوی پیروزی سریعتر بر رژیم استبدادی و ستمگر اسلامی

ما از جنبش زن، زندگی، آزادی و مطالبات دمکراتیک و مترقی آن حمایت می کنیم!
برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران و مزد و حقوق بگیران!

نقش حمایت اجتماعی در امحای کار کودک بخش پنجم
گزارش مشترک سازمان بین المللی کار و سازمان یونیسف



فقدان منبع درآمد خانواده ها در دوران کرونا کودکان بسیاری را راهی



سمتگیریها در کار کودک و حمایت اجتماعی 1.

حمایت اجتماعی 1.2

حمایت اجتماعی در دوران کووید-19

حمایت اجتماعی یک ستون حیاتی در پاسخ به بحران کووید-19 بود. دولتها می بایست از سیستمهای موجود برای هدایت پشتیبانی فوری و اضطراری بتوانند استفاده کنند. با توجه به محدودیتهای مالی موجود و اولویتهای متعدد، چنین پاسخی سزاوار ستایش بود. توأمآ همه گیری شکافهای بزرگی را در ارائه حمایت اجتماعی آشکار کرد و مشکلات دو میلیارد کارگر اقتصاد غیررسمی و خانواده هایشان، زنان تک نان آور، مهاجران و دیگران را برجسته کرد. با این حال، یک تحول مهم، نقش حیاتی است که حمایت اجتماعی دوران کرونا در واکنش به لحاظ سیاستگزاری بی سابقه در سراسر جهان، ایفا کرده است.

در فاصله بین فوریه 2020 و مارس 2022، 1730 برنامه حمایت اجتماعی در بیش از 200 کشور و منطقه اعلام شدند یا به اجرا درآمدند. بدون شک، بدون این گسترش گسترده و سریع حمایت اجتماعی از طریق تمهیدات از قبل موجود و ارائه اقدامات اضطراری، تلفات انسانی و اقتصادی-اجتماعی این بحران بسیار بیشتر می شد و ضرورت حمایت اجتماعی را به عنوان سنگ بنای همه چیز در جوامع کارآمد و پاسخگو نشان می داد.

در طول دوران کووید-19، کشورهایی که قبلاً سیستمهای حمایت اجتماعی قوی داشتند، توانستند از آنها برای تضمین حمایت بهتر استفاده کنند. با این حال، کشورهای بدون چنین سیستمهای قوی، سیستمهای موازی را برای حمایت از بسیاری از خانواده ها به کار گرفتند، و اگرچه این سیستمها برای گروههای خاص (مانند مهاجران، کارگران غیررسمی) حیاتی و نجاتبخش بودند، در بسیاری از موارد نمی توانستند از زیرساختهای موجود استفاده کنند، و موقت یا فاقد پاسخی حمایتی کافی بودند.

با این حال، کیفیت پاسخ نه تنها به کیفیت سیستمهای حمایت اجتماعی از قبل موجود، بلکه به منابع مالی که می شد بسیج کرد، نیز بستگی داشت. مخارج مربوط به پاسخ حمایت اجتماعی در کشورهای با درآمد کم و متوسط متفاوت بود، با میانگین هزینه سرانه از 8 دلار در کشورهای کم درآمد، تا 145 دلار در کشورهای با درآمد متوسط به بالا. محدودیت مالی در بسیاری از کشورها واقعیت دارد، اما این واقعیت توضیح مناسبی برای عدم حمایت کافی از مردم در برابر فقر و کاهش استانداردهای زندگی، در خلاصی از این بیماری همه گیر نیست.

فقدان منبع درآمد خانواده ها در دوران کرونا کودکان بسیاری را راهی بازار کار کرد

بسیاری از کشورها مزایایی را برای کارگرانی که قبلاً حمایت نمی شدند، مانند کارگران در اقتصاد غیررسمی در برخی بخشها، حداقل به طور موقت فراهم کردند، و با انجام این کار، راه های سیاستگزاری را برای گسترش پوشش حمایت اجتماعی به کارگران غیررسمی به شیوه ای پایدارتر گشودند. بسط حمایت به کارگران حمایت نشده - از جمله در کشاورزی غیررسمی مبتنی و متمرکز بر خانواده، یا در مواردی که خانواده ها بیشتر از حمایتهای شغلی و کمکهای اجتماعی محروم بوده اند - تأثیر مثبتی بر کار کودکان داشته است.

با این اوصاف، ابعاد خالص پاسخ به بحران کووید-19 گول زننده بود، زیرا در بسیاری از موارد پاسخهای حمایت اجتماعی، به دلیل حساسیت محدود [جوامع] نسبت به کودکان، محدود می ماند. کودکان از زمره گروههای جمعیتی آسیب پذیرتری بودند که از پاسخ لازم در دوران کرونا محروم ماندند. از برنامه های اعلام شده حمایت اجتماعی در فاصله بین فوریه تا دسامبر ۲۰۲۰، تنها ۷.۶ درصد آنها به کودکان و خانواده ها اختصاص داشت. این میزان - با توجه به شواهدی مبنی بر این که حمایت اجتماعی حساس به کودک، پاسخی مؤثر به بحرانها در همه زمینه ها است - نگران کننده است. البته، اگرچه برخی نمونه های عملی خوب نیز بروز یافتند، اما اینها استثنائاتی در قاعده کلی بودند و برای پیشگیری از افزایش کار کودک



در دوران کووید-19 کاری از پیش نبردند. بیشتر حمایت‌های اضطراری به صورت کمک‌های نقدی نیز، حمایت‌های کوتاه مدتی بودند، و مانع از تشدید مسائل ناشی از عدم حساسیت کافی نسبت به کودکان نشدند.

با توجه به دوران طولانی همه‌گیری، تثبیت محدودیت‌های مالی، تورم، افزایش قیمت سوخت و مواد غذایی و چالش‌های فراگیر ناشی از تغییرات آب‌وهوایی، پتانسیل واضحی برای تشدید بیشتر فقر و نابرابری کودکان وجود دارد. بی توجهی به وضع کودکان پیامدهای قابل توجهی در تشدید کار کودکان خواهد داشت.

هنوز امکان قضاوت در این باره که آیا این انبوهه پاسخها به بیماری کووید-19 می تواند منجر به گسترش مدید و پایدار حمایت اجتماعی در برخی زمینه ها بشود یا خیر، وجود ندارد. با این حال، چنین قضاوتی از دیدگاه حساس به وضع کودکان واضح تر است: علیرغم وعده و وعیدها، فرصتی که در زمان کووید-19 و پاسخ به بحران آن فراهم آمده بود، از دست رفته است. اگر سیاست‌گذاران در جریان پاندمی و پس از آن به ایجاد سیستم‌های متمرکز بر کودک توجه می کردند، نیازهای کوتاه و بلندمدت کودکان، از نظر برنامه‌ریزی و تخصیص بودجه، به مراتب بهتر از امروز می توانست مورد توجه قرار گیرد.

مبارزه متحدانه برای توقف اعدام ها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!

**کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم!
اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!**

تمرین کاهش دستمزدها در شرکتهای نفتی
تعرضی از سوی دولت و کارفرمایان برای مقابله با درخواست افزایش دستمزد
صادق





شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در ۱۴ مهر از انجام اعتصاب در پتروشیمی آبادان خبر داد و افزود:

همکاران شاغل در پتروشیمی آبادان، امروز چهارشنبه دوازدهم مهر، همزمان با اعتصاب خود در مقابل "درب این پتروشیمی به دلیل عدم پرداخت شش ماهه دستمزد ها و گلایه از افزایش بدهی‌های این مجتمع ... که منجر به عدم خرید خوراک و خوابیدن بخشهایی از فعالیت این مجموعه شده است تجمع کردند

از دیگر موارد اعتراض این همکاران، آیت ۴۰ درصد حق جذب است که در گذشته پرداخت می‌شد و در حال حاضر پرداخت آن قطع شده و مدیران شرکت می‌گویند توانایی پرداخت آن را نداریم.

بنا به گزارش کانال شورای سازماندهی، اعتراض کارگران تعدادی از شرکت های نفتی از روز ۹ مهر و پس از آن شروع شد که گروهی از کارکنان مناطق نفتی جنوب در اعتراض به تعیین و اعمال سقف دستمزد، پرداخت نکردن کامل پاداش سنوات بازنشستگی و سایر مطالبات کارگران مقابل ساختمان مدیریت شرکت نفت در اهواز تجمع کردند.

این اعتراضات در ۱۰ و ۱۴ مهر نیز توسط کارکنان دو سکوی دریایی واقع در فلات قاره جنوب و نفت و گاز پارس نیز دنبال شد و کارکنان هر دو شرکت اعلام کردند اگر خواسته هایشان بر آورده شود و مصوبات ظالمانه لغو نشوند، آنان تا رسیدن به مطالبات خود اعتراضات شان را در هر دوشنبه ادامه خواهند داد.

نکته قابل مکت در این اقدام مدیران شرکتهای نامبرد این است که بجای درخواست افزایش حقوق که مدتهاست توسط کارکنان شرکتهای نفتی مطرح است، با وجود افزایش سرسام آور هزینه های زندگی، حقوق کارکنان خود را به موقع پرداخت نمی کنند و با قطع مزایایی که در واقع بخشی از مزد محسوب می شود به کاهش دستمزد و قدرت خرید کارکنان روی آورده‌اند.

اگر چه بهانه مدیران نداشتن امکان مالی عنوان می شود، ولی قرینه های موجود حاکی از تلاشی است که رژیم و کارفرمایان برای کاهش اکثر دستمزدهای زیر خط فقر به عمل می آورند. کاهش هر چه بیشتر دستمزدها تا نهایت ممکن امری است که سالهاست توسط رژیم و کارفرمایان به بهانه های واهی دنبال می شود و منحصر به کارگران صنعت نفت نیست. در اسفند گذشته که دستمزد کارگران نصف نرخ تورم رسمی تحمیل شد، خود گواهی روشنی بر این مدعاست. این سیاست دو هدف معین را در نظر دارد، افزایش سود برای دولت و کارفرمایان خصوصی و خصولتی که در واقع بخشی از بدنه رژیم هستند، و کسب درآمد بیشتر برای جبران هزینه های نجومی و فزاینده دستگاه سرکوب. هزینه های این دستگاه شبه فاشیستی اینک به حدی رسیده است که اختصاص منابع نفتی و معدنی کشور به آن جوابگو نیست و رژیم برای تامین هزینه های خود به کاهش دستمزدها، افزایش مالیتهای، افزایش قیمت خدمات و کالا و فروش اموال عمومی که زیر لوای "مولد سازی" انجام میگیرد و دزدیدن حق بیمه تامین اجتماعی روی آورده است.

سیاست کاهش دستمزد که دیگر محدود به عده خاصی از نیروی کار نیست و از کارگران نفت و صنعت تا کارکنان رشته های خدماتی و کلیه بازنشستگان را شامل می شود. بخشی از آن به جیب سرمایه داران و مقامات رژیم می رود و باقی مانده آن که رغم کلانی می شود خرج هزینه های فزاینده دستگاه سرکوب و سایر هزینه های رژیم می شود. به نسخه غیر محرمانه برنامه بودجه امسال هر کس مراجعه کند خواهد دانست که بیشترین بخش بودجه به نهادهای نظامی و امنیتی، نهادهای تبلیغاتی اسلامی، مساجد، حوزه های دینی، رادیو و تلویزیون، سازمان تبلیغات اسلامی و امثالهم اختصاص یافته و بودجه های عمرانی، آموزشی، بهداشتی، درمانی و سایر خدمات عمومی کاهش داده شده و در واقع بخش قابل توجهی از بودجه آنها نیز در امورات نا مربوط هزینه می شود. از اطلاعاتی که بعضا در مورد بودجه سال آینده دولت به بیرون درز کرده می شود فهمید که بودجه سال آینده هم از لحاظ تخصیص و تقسیم منابع حتی بدتر از برنامه بودجه امسال است. بعنوان مثال گفته شده که در برنامه بودجه سال آینده فارغ از نرخ تورم



که کارشناسان نرخ آن را تا پایان سال کمتر از ۴۰ درصد نمی دانند، قرار نیست دستمزد ها بیش از ۲۰ درصد افزایش پیدا کند. بودجه‌ای نیز برای همسان سازی حقوق های بازنشستگان تخصیص داده نشده است. از این وقایع و تصمیمات می شود فهمید که دولت نه تنها به رغم افزایش هزینه های زندگی به دلایلی که ذکر شد قصد افزایش دستمزد و حقوق ها را حتی در حد نرخ تورم رسمی ندارد، بلکه قصد کاهش دستمزدها به همان شیوه‌ای که در مورد کارگران شرکتهای نفتی در حال تمرین آن است را دنبال می کند.

این شیوه را البته دارند در جاهای دیگری با تاخیر طولانی در پرداخت دستمزدها، تبدیل قراردادهای کاری یک ساله به یک ماهه، تن ندادن به اجرای طبقه بندی مشاغل، و سپردن اختیار تعیین دستمزد به کارفرمایان و مدیران برای پیشگیری از واکنش کارگران در قبال کاهش دستمزدها دنبال می کنند. هر یک قدم عقب نشینی در مقابل این تعرض لجام گسیخته و فزاینده تنها به وخامت بیشتر معیشت و شرایط کار و زندگی کلیه حقوق بگیران و تشدید تعرض به حقوق آنان منتهی خواهد شد. این تعرض به هر صورتی که هست باید با گسترش اعتصابات جمعی و سازماندهی نیروی کار و ایجاد همبستگی و همراهی با مبارزات سایر جنبش ها و گروه های اجتماعی مترقی و عدالتخواه متوقف شود. راه و گزینه محتملتری دیگری غیر از این در چشم انداز نزدیک نیست!

کار، رفاه، آزادی، کرامت انسانی!

**از اعتراضات و مطالبات بازنشستگان حمایت کنیم!
نابود باد استبداد و بی عدالتی، زنده باد آزادی و برابری**

مقدمه چینی برای تبدیل وزارت کار و تامین اجتماعی به خیریه!

صادق





صولت مرتضوی وزیر کار دولت رئیسی خبر از تشکیل یک نهاد خیریه تازه بنام "مجمع خیرین وزارت تعاون، کار و رفاه" توسط این وزارتخانه را داده است.

آنطور که از گزارش خبرگزاری ایلنا در ۹ مهر ماه از نشست‌هایی که به همین مناسبت در این وزارتخانه تشکیل شده بر می‌آید، ظاهراً مقصود از تشکیل خیریه که برای نخستین بار توسط وزارت کار تشکیل می‌شود سپردن بخشی از وظایف سازمان تامین اجتماعی به نهادهای خیریه یا در واقع رفع مسئولیت از تامین اجتماعی و وزارت کار در قبال ارائه کمک، خدمات و ایجاد اشتغال برای بیکاران و تعدادی از گروه‌های تحت پوشش این سازمان است.

امتناع از اجرای قانون حداقل دستمزد به معلولین به رغم اعتراض مکرر آنان در یکی دوماه گذشته و رها کردن آنها به حال خود، به نظر می‌رسد در راستای همین سیاست باشد و الگوی مورد نظر هم کمیته امداد باید باشد که بخاطر تحت پوشش قرار ندادن نیازمندان در تامین اجتماعی و سئواستفاده‌های مختلف که از آن می‌شود تشکیل شده است.

در این نشست مقرر شد با تهیه اساسنامه و تعیین لیست اعضای شورای مرکزی، مجمع خیرین وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تشکیل شود، واگذار کردن بخشی از وظایف تامین اجتماعی به خیریه و زمینه سازی برای قطع مستمری معلولین و برخی دیگر از گروه‌های اجتماعی تابع تامین اجتماعی و فراهم کردن زمینه دخالت نهادهای به اصطلاح خیریه در امورات تامین اجتماعی و تضعیف آن است.

خبرگزاری ایلنا در قسمتی از گزارش خود به نقل از وزیر کار نوشت:

"وی با تأکید بر لزوم بسترسازی برای اثرگذاری بیش از پیش تشکلهای خیریه، اظهار داشت: در حوزه‌های مرتبط با مأموریت‌های وزارت رفاه همچون افراد دارای معلولیت (مددجویان)، سالمندان، کودکان "بی‌سرپرست و نیازمندان همکاری‌های مشترک را می‌توان گسترش داد"

با توجه به عملکرد و برنامه‌های دولت دست راستی رئیسی و وزیر کار مولتی میلیارد و سوپر دست راستی آن، تشکیل نهاد خیریه را باید در ادامه سیاستهای عدالت ستیزانه و مایه شر به جای خیر تلقی کرد. تا کنون نه در دولت رئیسی و نه در دولتهای پیشین حتی یک اقدام و قانون برای بهبود وضعیت کارگران و سایر گروه‌های مزد و حقوق بگیر و میلیونها تهی دستی که توسط رژیم تولید شده‌اند، نه تنها به اجرا در نیامده بلکه هر چه تصویب شده و هر تصمیمی که گرفته شده یکسره علیه حقوق و معیشت زحمتکشانشان بوده است. حجم قوانینی که طی یک سال وزارت صولتی علیه حقوق کارگران و در راستای افزایش سود سرمایه داری رانتی حاکم بر کشور انجام گرفته است، بیش از همه ی دولتهای گذشته است. از جمله اقدامات دولت رئیسی ایجاد تغییرات تضعیف کننده در زمینه تامین اجتماعی است که عملاً ذخایر و اندوخته‌های آن توسط دولت رئیسی مصادره و زمینه ورشکستگی و تعطیلی آن فراهم شده است. طرح تضعیف و نابودی تامین اجتماعی و وانهادن وظایف تامین اجتماعی به نهادهای به اصطلاح خیریه در همه ی سالهای بعد از انقلاب ۵۷ جز اهداف جریان‌های ارتجاعی دست راستی همچون، موتلفه اسلامی، انجمن حجتیه و جریان‌های مشابه آنها بوده است. تشکیل "کمیته امداد امام" در واقع به منظور جایگزین کردن تدریجی آن با تامین اجتماعی توسط جریان‌های مذکور انجام گرفته است. این کمیته در ظاهر خیریه در واقع از ابتدا تا کنون در تیول جریان‌های نام برده قرار داشته و به نهادی برای سفید شویی پولهای سیاه، اختلاس و سئو استفاده، فرار مالیاتی و استثمار و بهره‌کشی مضاعف از تهی‌دستان جامعه تبدیل شده است. اکثر افراد ثروتمند به اصطلاح خیر چند ده برابر کمکی که صرف امور خیریه می‌کنند را به طرق دیگر از طریق رانت و استثمار و کسب پول سیاه و چنگ انداختن بر موسساتی همچون بنیاد مستضعفان و ده‌ها بنیاد مشابه مصادره شده دیگر که متعلق به مردم است به جیب می‌زنند. تشکیل اکثر نهادهای خیریه در واقع بر خلاف ظاهر آنها مانند بانک‌های اسلامی و هزاران امامزاده تازه تاسیس و امثالهم دکانهای پرسودی هستند برای موسسان آنها. وزیر کار بد سابقه دولت رئیسی خود یکی از عوامل دست اندر کار نهادهای خیریه و از



کسانی است که به دلیل فساد و اختلاس قبلا به پنج سال محرومیت از کار دولتی محکوم شده است. کار این موسسات البته محدود به امور صرفا مالی نیست و در سیاست گذاری و انتصاب اشخاص مورد نظر خود نقش بزرگی دارند. یکی از نمونه های دخالت یکی از این نهادها طرح کاهش و منطقه‌ای کردن دستمزد ها در یکی دو سال اخیر بود که به سیاست رسمی دولت رئیسی تبدیل و هم اکنون در حال اجراست. ادعای خیر خواهی موسسان و بانیان "خیریه ها" همانقدر جعلی و وارونه است که ادعای عدالتخواهی دولت رئیسی جعلی است. سازمانهای خیریه با آن صفاتی که ذکر شد در عمل ثابت شده است که خود از عوامل ایجاد فقر و فلاکت هستند و نمی توانند و نباید جای تامین اجتماعی را پر کنند. رانده شدن بیش از سه چهارم جمعیت کشور به زیر خط فقر و بیش از ۳۰ درصد مردم در زیر خط فقر مطلق، که به قیمت ثروتمند شدن افسانه‌ای یک اقلیت کوچک حاکم بر کشور از آن جمله رهبرانی موتلفه بوجود آمده، نتیجه ماهیت و سیاستها و عملکرد رژیم اسلامی و غارت منابع کشور و استثمار شدید نیروی کار توسط عوامل حکومت است. با این حال رژیم به جای چاره انبشی برای کاستن از دامنه فقر و فلاکت عظیمی که به اکثریت جامعه تحمیل کرده و گسترش پوشش تامین اجتماعی، و تغییر رویکردهای خود، در حال اقداماتی است که به فقر و فلاکت دامن خواهد زد. سپردن بخشی از وظایف تامین اجتماعی به نهادهای خیریه در ادامه بخشی از اقدامات متعددی است که در برنامه هفتم توسعه دولت علیه حقوق و معیشت نیروی کار و تامین اجتماعی گنجانده شده است.

نقشه تضعیف تامین اجتماعی که در برنامه عدالت ستیزانه رژیم به وضوح به آن پرداخته شده، گویای این واقعیت است. رژیم با تدابیری که در برنامه ضد توسعه هفتم اندیشیده قصد دارد با حذف قوانین کار و تامین اجتماعی و حمایت‌های قانونی زمینه برده و مطیع سازی نیروی کار و استثمار مضاعف آن را مهیا کند. ثروتهای مصادره و انباشته شده در نهادهایی چون بنیاد مستضعفان، حساب صد اما و ده‌ها بنیاد دیگر اگر بجای حیف و میل و ملاحور کردن توسط روسای اختلاسگر آنها صرف تامین اجتماعی شود و دست اندازی و سلطه دولت بر تامین اجتماعی از میان برداشته شود و مدیریت تامین اجتماعی به صاحبان واقعی آن سپرده شود، این سازمان قادر است به وظایفی که در قانون برای آن در نظر گرفته شده عمل کند و از پس مخارج خود برآید.



ادامه اعتراضات در میان کارگران شرکت های نفتی گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت گروهی از کارکنان قراردادی وزارت نفت اعم از قراردادی های ملی حفاری و کارکنان پالایشگاه نفت آبادان، چهارشنبه ۱۲ مهر در مقابل ساختمان مدیریت شرکت مناطق نفتخیز جنوب در اهواز دست به تجمع زدند. این تجمع در اعتراض به مطالبات ۱۰ ساله زمین مانده کارکنان قراردادی صورت گرفته است. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت



تجمع کارگزاران مخابرات روستایی در سقز
کارگزاران مخابرات روستایی سقز به عدم پرداخت حقوق شهریور اعتراض کردند
تجمع کارگزاران مخابرات روستایی در سقز
تعدادی از کارگزاران مخابرات روستایی سقز در استان کردستان در تماس با خبرنگار ایلنا، از تجمع امروز خود
مقابل شرکت مخابرات این شهر خبر دادند
آنها می‌گویند: امروز شانزدهم مهر است اما هنوز حقوق فروردین را نگرفته‌ایم؛ در این شرایط تورمی،
نمی‌توانیم با تاخیر در پرداخت حقوق کنار بیاییم

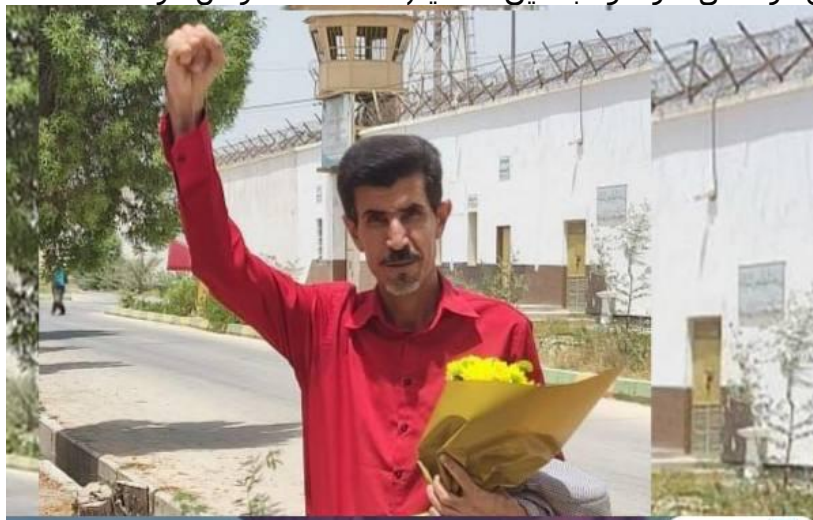


تداوم اعتراضات بازنشستگان

اعتراضات بازنشستگان تابع صندوق های بازنشستگی مختلف به صورت هفتگی همچنان بواسطه نگرفتن پاسخ از طرف دولت در این هفته نیز تداوم یافت.



گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت روز دوشنبه ۱۲ مهرماه نیروهای ارکان ثالث شاغل در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی از جمله هلدینگ خلیج فارس برای دومین روز و با مطالبه برچیده شدن بساط پیمانکاران و قراردادهای مستقیم تجمع کردند. در این روز این همکاران در خیابان های بندر ماهشهر دست به راهپیمایی زدند. حذف پیمانکاران یک خواست سراسری همه ما کارگران نفتی است. اعتراضات همکاران ارکان ثالثی ما در پتروشیمی ماهشهر یک قدم مهم در تقویت اعتصاب ما کارگران پیمانی پروژه ای نفت و پیشبرد این مطالبه است. در اعتراض به تعیین سقف غیرقانونی حقوق، روز دوشنبه دهم مهرماه، کارکنان سکویهای دریایی در شرکت فلات قاره ایران و نفت و گاز پارس با تجمع در محل کار خود به این تصمیم ظالمانه اعتراض کردند.



پرونده سازی جدید برای #محسن_عمرانی

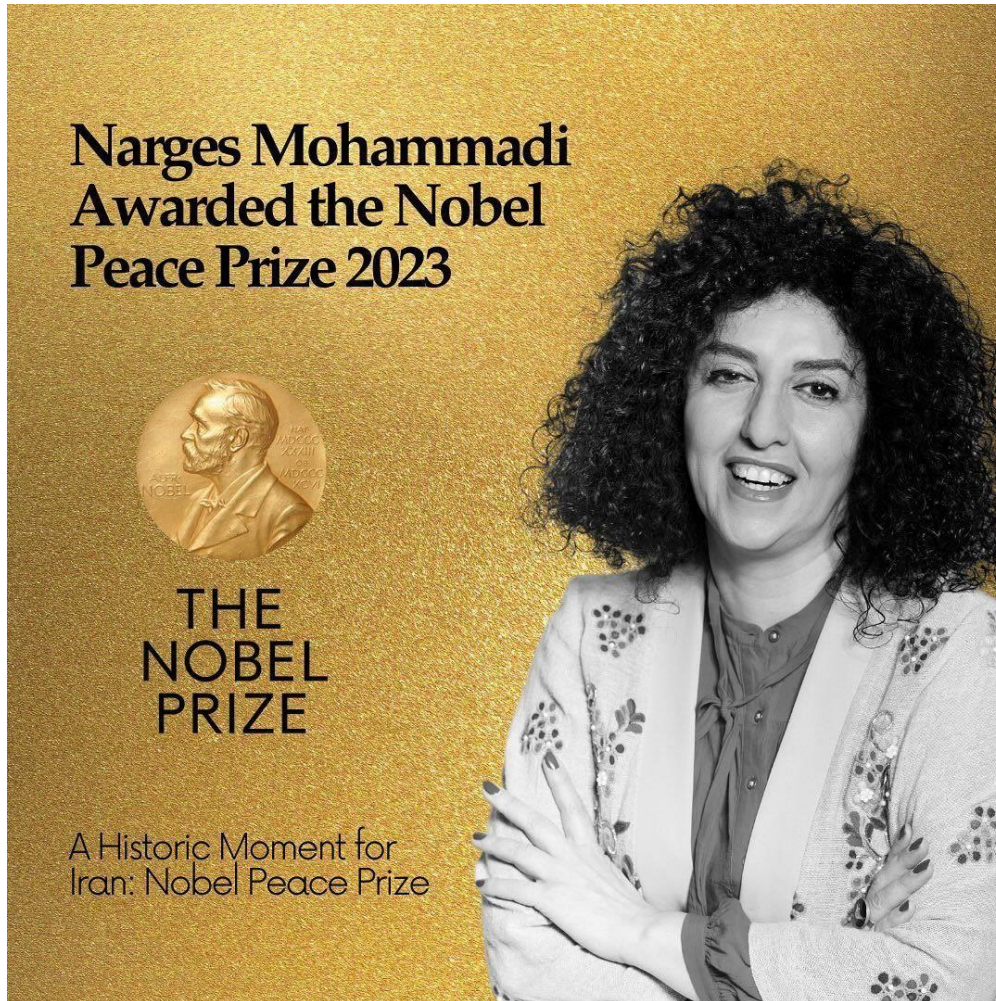
محسن عمرانی از اعضای هیات مدیره کانون صنفی بوشهر بار دیگر به دادگاه انقلاب احضار شد

طی ابلاغیه دادگاه انقلاب بوشهر، این فعال صنفی معلمان باید در نهم آبانماه برای دفاع از اتهام تبلیغ علیه نظام در دادگاه حاضر شود

محسن عمرانی در حالی برای بار سوم در دو ماه اخیر در دادگاه حاضر می شود که پیشتر دادگاه به همین اتهام هم ایشان را دادگاهی کرده است



سال‌هاست حاکمیت بدون توجه به مطالبات فرهنگیان و ارائه راه‌حلی مناسب، تنها به سرکوب بی‌شرمانه فعالین صنفی مبادرت می‌کند. شورای هماهنگی تاکید می‌کند سرکوب فعالین هرگز مانع تداوم اعتراضات معلمان نخواهد بود.



شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

پیام تبریک #هاشم_خواستار معلم زندانی به #نرگس_محمدی

صدیقه مالکی‌فرد، همسر هاشم خواستار زندانی سیاسی محبوس در زندان وکیل‌آباد مشهد با انتشار پیامی به مناسبت اهدای جایزه صلح نوبل به نرگس محمدی نوشت:

آقای خواستار که در طی پنج سال گذشته به جرم آزادی‌خواهی در زندان وکیل‌آباد مشهد محبوس بوده و در این مدت حتی یک روز به مرخصی نیامده و محروم از ملاقات حضوری هستند، وقتی در تماس تلفنی هفتگی خبر اهدای جایزه صلح نوبل به خانم نرگس محمدی را شنیدند، و خواستند پیام تبریکی به ایشان و ملت ایران بگویند، رئیس بند تلفن را قطع کرد



رفتم اعتراض کردم، گفتند؛ تلفن فقط برای احوالپرسی اعضای خانواده است، نه برای تبلیغات! قرار شد من متنی از طرف ایشان بنویسم که میدانم درباره این بانوی بزرگ چه بنویسم که سخن و صدای همسرم در زندان باشد، ولی میدانم که آقای خواستار از سالیان دور خانم محمدی را به واسطه مبارزات بی‌امان ایشان برای عدالت و آزادی می‌ستودند، و با تمام وجود به ایشان ادای احترام می‌کردند، و با اینکه خود ایشان در طی نیم‌قرن گذشته با شاه و شیخ در مبارزات بی‌امان بودند، ولی وقتی نام "نرگس بانو" به میان می‌آمد، با تمام وجود ایشان را تحسین و تجلیل می‌کردند، و این بانوی سرافراز را الگوی عالی "زن، زندگی، آزادی" می‌دانستند.

بنابراین، من به نمایندگی از طرف همسر پرافتخارم که در طی پنج سال گذشته بدون حتی یک روز مرخصی در زندان رژیم هستند، اهدای "جایزه صلح نوبل" را به خانم نرگس محمدی و به ملت قهرمان ایران شادباش می‌گویم، و امیدوارم این "قدردانی جهانی" از این بانوی بزرگ و بزرگوار، با آزادی ایران از استبداد دینی تکمیل و گواراتر گردد.

از مبارزه کارگران برای انحلال شرکتهای پیمانکاری و واسطه‌ای و علیه قراردادهای موقت تحمیلی حمایت می‌کنیم!

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می‌توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>